



Part B: Vocabulary

Directions: Questions 111-125 are incomplete sentences. Beneath each sentence you will see four words or phrases, marked (1), (2), (3), and (4). Choose the one word or phrase that best completes the sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

- 111- The publishers reserve the right to ----- any inappropriate material present in this eBook.
1) inform 2) restate 3) rattle 4) remove
- 112- In her only son's wedding everything was going ----- and everyone was happy.
1) entirely 2) smoothly 3) definitely 4) immediately
- 113- When they asked her on what ----- she claimed that she was the best mother in the world, she merely said, "I've seen others."
1) basis 2) stance 3) feature 4) comparison
- 114- It was contrary to our ----- that the minister who had presented the bill of compulsory education for every child, himself employed a ten-year old illiterate boy servant.
1) laborers 2) pressures 3) expectations 4) mysteries
- 115- She seems to have been ----- her father very much in that she gets very emotional whenever she talks about his death.
1) responsible for 2) involved in 3) anxious about 4) attached to
- 116- Even after Ted became famous worldwide, he remained the same with them, giving them the same respect, showing the same ----- for them as before.
1) sense 2) gesture 3) concern 4) relationship
- 117- There is no wind on the moon, so unless someone ----- them, an astronaut's footprints will last forever.
1) ignores 2) notices 3) survives 4) disturbs
- 118- After we restarted the work after a short break we realized that we were working more ----- than before; the break had, indeed, filled us with energy.
1) softly 2) efficiently 3) specifically 4) previously
- 119- What the scientist has proposed is only a -----; it cannot be demonstrated by observation or established by mathematical calculation.
1) sample 2) design 3) speculation 4) presentaion
- 120- An extremely angry flood of people, ----- for miles and miles, took to the streets to show their protest.
1) stretching 2) crossing 3) sticking 4) lifting
- 121- The psychologist once noted that nothing ----- the past so strongly as a smell.
1) recalls 2) releases 3) records 4) recycles
- 122- Actor Peter Ustinov once said that to refuse awards is ----- another way of accepting them with more noise than is normal.
1) deeply 2) actually 3) similarly 4) interchangeably
- 123- He was in a ----- about whether to go for masters or take the well-paying job he had been offered.
1) fury 2) chaos 3) dilemma 4) hypothesis
- 124- A social, legal or moral ----- that a man is bound to fulfill is called an obligation.
1) struggle 2) request 3) inclination 4) requirement
- 125- Death is ----- . It's a promise made to each of us at birth.
1) inevitable 2) irrational 3) simplistic 4) peculiar

۱۲۱- یک بار روئشناس خاطر نشان کرد که هیچ چیز به اندازه یک بو گذشته را به یاد نمی‌آورد.
 (✓) به خاطر آوردن، فراخواندن (۲) رها/آزاد کردن، منتشر کردن (۳) ضبط کردن، ثبت کردن (۴) بازیافت کردن
 ۱۲۲- بازیگر پیترو اوستینوف یکبار گفت که رد جوایز در واقع راه دیگری برای پذیرفتن آن‌ها با سر و صدای بیشتر از حد معمول است.
 (۱) عمیقاً (✓) در واقع، در حقیقت (۳) مشابه، مشابهها (۴) به طور قابل تعویض
 ۱۲۳- او در دوراهی بود که آیا برای کارشناسی ارشد برود یا شغلی را که به او پیشنهاد شده بود بپذیرد.
 (۱) غضب، خشم (۲) هرج و مرج دو راهی، وضع دشوار (۴) فرضیه (۱) غضب، خشم (۲) هرج و مرج (✓) دو راهی، وضع دشوار (۴) فرضیه
 ۱۲۴- به الزامات اجتماعی، قانونی یا اخلاقی که مرد باید انجام دهد تعهد گفته می‌شود.
 (۱) تقلا کردن، مبارزه کردن (۲) درخواست، تقاضا (۳) تمایل، شیب (✓) الزامات، شرایط
 ۱۲۵- مرگ اجتناب‌ناپذیر است. این وعده‌ای است که در بدو تولد به هر یک از ما داده شده است.
 (✓) اجتناب‌ناپذیر، ناگزیر (۲) غیرمنطقی، نامعقول (۳) ساده انگارانه (۴) عجیب و غریب، ویژه، خاص

۱۱۱- ناشران این حق را برای خود محفوظ می‌دارند که هرگونه مطالب نامناسب موجود در این کتاب الکترونیکی را حذف کنند.
 (۱) اطلاع دادن (به)، آگاه کردن، خبر دادن (۲) دوباره بیان کردن، تکرار کردن (۳) تلقی کردن (✓) از میان برداشتن، رفع کردن، حذف کردن
 ۱۱۲- در عروسی تنها پسر او همه چیز بدون مشکل پیش می‌رفت و همه خوشحال بودند.
 (۱) کاملاً (✓) به آرامی، به نرمی، بی‌دردسر (۳) قطعاً (۴) فوراً، بلافاصله
 ۱۱۳- وقتی از او پرسیدند بر چه اساسی ادعا می‌کند که او بهترین مادر جهان است، او فقط گفت: من دیگران را دیده‌ام.
 (✓) اساس، پایه، مبنا (۲) حالت، ژست، موضع (۳) خصیصه، ویژگی (۴) مقایسه، سنجش
 ۱۱۴- برخلاف انتظار ما، وزیری که لایحه آموزش اجباری برای هر کودک را ارائه کرده بود، خودش یک نوکر پسر ده ساله بی‌سواد را استخدام کرد.
 (۱) کارگر (۲) فشار (✓) انتظار، توقع (۴) رمز و راز، معما
 ۱۱۵- به نظر می‌رسد او بسیار به پدرش وابسته بوده است زیرا هر زمان که در مورد مرگ پدرش صحبت می‌کند بسیار احساساتی می‌شود.
 (۱) مسئول، عهده‌دار، معتبر (۲) درگیر در (۳) نگران، دلوایس، مشتاق به (✓) دلبسته به
 ۱۱۶- حتی پس از معروف شدن تد در سراسر جهان، او همچنان با آن‌ها یکسان بود و احترام یکسانی برای آن‌ها قائل شد و همان نگرانی قبلی را نسبت به آن‌ها نشان داد.
 (۱) حس، احساس، شعور (۲) ایما و اشاره (✓) نگرانی، ربط (۴) رابطه، نسبت، خویشی
 ۱۱۷- بر روی ماه هیچ بادی وجود ندارد، بنابراین اگر کسی مزاحم آن‌ها نشود، رد پای یک فضاپرواز برای همیشه باقی خواهد ماند.
 (۱) نادیده گرفتن، رد کردن (۲) ملاحظه کردن (۳) زنده ماندن (✓) مزاحم شدن، پریشان‌انگیزان کردن
 ۱۱۸- پس از شروع مجدد کار پس از یک استراحت کوتاه، متوجه شدیم که ما کارآمدتر از قبل کار می‌کنیم. در واقع استراحت ما را پر از انرژی کرده بود.
 (۱) به اهستگی، ملایم (✓) به طور موثر و کارآمد (۳) مخصوصاً (۴) قبلاً، سابقاً
 ۱۱۹- آنچه دانشمند پیشنهاد کرده است فقط یک حدس و گمان است. نمی‌توان آن را با مشاهده نشان داد یا با محاسبه ریاضی ایجاد کرد.
 (۱) نمونه (۲) طراحی (✓) گمان، اندیشه، سفته بازی (۴) ارائه، تقدیم، اهدا
 ۱۲۰- سیل فوق‌العاده خشمگین مردم که کیلومترها و مایل‌ها طول کشید، به خیابان‌ها آمد تا اعتراض خود را نشان دهند.
 (✓) کش دادن/آمدن، بسط دادن (۲) عبور کردن، قطع کردن، صلیب (۳) چسبیدن، گیر افتادن (۴) برداشتن، بلند کردن